

مقایسه‌ی پایگاه‌های هویت در میان دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه

تورج هاشمی^۱، حسین غلام‌رستمی^۲

مقدمه

انسان از دیرباز با پرسش‌های غامض فلسفی و هستی‌شناختی مواجه بوده و هست، و در این عرصه تلاش بر این معطوف داشته است که معنی هستی خویش را دریافته و بدین طریق، جایگاه و نقش خویش را در عرصه‌های زندگی معین کند (گیدنز، ۲۰۰۱). هر چند که تلاش آدمیان در این عرصه به شکل‌گیری پاسخ‌هایی چند منتهی شده است، لکن تجربه زیست آدمی در عرصه‌های اجتماعی حاکی از آن است که پاسخ معین و روشن برای چنین پرسش‌هایی وجود ندارد (دیرکس، ۲۰۰۲). به هر حال، سؤال فلسفی و روانشناختی «چیستی آدمی؟» در رهگذر چالش‌های فردی و بین‌فردی، ره به جایی برده است که امروزه برخی از روانشناسان از آن به عنوان مهمترین چالش زندگی یاد می‌کنند که در این میان، نظریات روانشناسان «من»، از جمله اریکسون (۱۹۶۸) از اهمیت وافری برخوردار است. به نظر اریکسون (۱۹۶۸، ۱۹۸۶)، موجود انسانی از نخستین روز پیدایش در عرصه‌ی زندگی تا واپسین روزهای زندگی تلاش بر این دارد که پایگاه و نقش خویش را در عرصه‌های پرپیچ و تاب اجتماعی ترسیم کند و بدین واسطه وجود و هستی خویش را معنا بخشد (برک، ۲۰۰۲). با این حال، این نظریه پردازان در فرآیند مراحل تحولی آدمی، نقطه‌ی عطفی را نمایان کرده‌اند که چالش‌های هستی‌شناختی و خودشناسی به اوج می‌رسد و از این رو دوران بلوغ و نوجوانی و دوره‌ی پیش‌بزرگسالی را به عنوان گرانگه‌تحولات هویتی نام‌گذاری می‌کنند (زندن، ۱۹۹۶). با این تعبیر، تعارضات موجود در این دوره، خاستگاه ظهور پرسش‌های فلسفی در خصوص «چیستی و کیستی آدمی؟» تلقی می‌شود (ماسن، ۱۹۹۲).

با همه‌ی این اوصاف، بخشی از تلاش‌های علمی روانشناسان در دهه‌های اخیر معطوف به این بوده است که عوامل زمینه‌ساز و آشکارکننده و نیز عوامل تداوم بخش و تهدیدکننده‌ی شکل‌گیری هویت را شناسایی کنند (لطف‌آبادی، ۱۳۷۶). در این راستا به نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی توجه ویژه‌ای شده است (ماسن، ۱۹۹۲). در میان عوامل فرهنگی، به نقش تحصیل در دوره‌های عالی و دانشگاهی تأکید زیادی معطوف گشته و این عرصه را به عنوان زمینه‌ساز و گاه تهدیدکننده‌ی شکل‌گیری هویت بر شمرده‌اند (آندرسون، ۱۹۹۹). توضیح اینکه برخی یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که ورود به دوره‌های تحصیلی عالی در مراحل نوجوانی و اوایل بزرگسالی، روند شکل‌گیری ساختارهای هویتی را دچار وقفه می‌کند (مارسیا، ۱۹۸۶). از طرفی، دیدگاه برخی روانشناسان رشد بر این است که تحصیل در دانشگاه، زمینه‌های شکل‌گیری هویت را به طور بنیادی تقویت می‌کند (گلاور، برونینگ، ۱۹۹۸). با این حال، ساختارهای علمی و پیشینه‌های شکل‌گیری مراکز عالی تحصیلی-آموزشی، به عنوان عواملی تلقی می‌شوند که در قبض و بسط پرسش‌های هویتی و پایگاه‌های هویت تأثیر مستقیم دارند (گیدنز، ۲۰۰۱). در این راستا، عنوان می‌شود که دانشگاه پایگاه برجسته و مرکز بروز و ظهور عقلانیت بوده و از دیرباز در شکل‌گیری اندیشه‌های آرمانخواهانه، نقش مستقیم داشته و دارد (برکسون، ۲۰۰۲). از طرفی، ساختارهای آموزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها به گونه‌ای ترسیم شده است که امکان بروز و ظهور اندیشه‌های متنوع را مهیا می‌سازد، به نحوی که ایده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متنوعی در آن به وجود آمده و رشد می‌یابد. در این راستا، نظریه‌پردازان رشد هویت، اذعان می‌کنند که دانشگاه محل ظهور و بروز تنوعی از پایگاه‌های هویت است که در آن، زمینه‌ی شکل‌گیری هویت‌های ایدئولوژیک، تعلیقی و پیشرفته وجود دارد (برکسون، ۲۰۰۲).

با همه ی این اوصاف، در کنار مراکز عالی علمی و دانشگاهی که از نمادهای مدرنیته محسوب می شوند (گیدنز، ۲۰۰۰)، در اغلب کشورها که از سنت دیرین مذهبی برخوردارند، مراکز ویژه ی دینی و مذهبی دایر است که سطوح تحصیلاتی ساختار یافته و سلسله مراتبی را پی گیری می کنند که حاصل وجود این مراکز، پرورش طلاب و دانشجویانی است که در عرصه های امور دینی و مذهبی تخصص پیدا می کنند و تولید امور مذهبی و دینی جامعه را بر عهده می گیرند. در این مراکز علمی، زمینه های شکل گیری پایگاه هویت به گونه ی متفاوت عمل می کند به نحوی که طلاب این مراکز در درون یک سنت دینی، به تولید و باز تولید اندیشه ها و راهکارهایی مشغول می شوند که در همه ی شؤون جامعه رسوخ و نفوذ دارند. از این رو، پیش بینی بر این است که در این مراکز، پایگاه هویتی ایدئولوژیک به شکل بارز تقویت شود و از طرفی، به تناسب میزان حضور و نفوذ فارغ التحصیلان این مراکز در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه، بسترهای شکل گیری پایگاه هویتی پیشرفته مهیاتر باشد. مبتنی بر این نظرات، چنین استنباط می شود که دانشجویان مراکز دانشگاهی و طلاب حوزه های علمیه از نظر پایگاه های هویت، تفاوت آشکاری داشته باشند. بررسی این فرضیه، مهمترین هدف این پژوهش محسوب می شود تا زمینه مقایسه و تطبیق پایگاه های هویت دانشجویان و طلاب حوزه های علمیه مهیا گردد، تا به واسطه ی نتایج برآمده از این پژوهش توصیه های علمی در خصوص بهره مندی از مزایای هر یک از این مراکز علمی برای تعدیل تعارضات هویتی دانشجویان و طلاب اندیشیده شود.

روش

در این پژوهش، در راستای اهداف تدوین شده، از جامعه ی دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد و حوزه ی علمیه امام محمدباقر(ع) تعداد ۱۲۰ نفر (۶۰ دانشجو، ۶۰ طلبه) به شیوه ی تصادفی انتخاب شدند. سپس پرسش نامه ی چند وجهی هویت مارسیا که دارای ۶۴ سوال بود، مورد استفاده قرار گرفت و داده اندازه گیری گردید. این پرسش نامه با توجه به مطالعات به عمل آمده در خارج و داخل کشور از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است و برای اندازه گیری پایگاه های هویت به وفور استفاده شده است. برای تحلیل داده های جمع آوری شده از روش های آمار استنباطی (آزمون t گروه های مستقل) استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ درج شده است.

جدول ۱: مقایسه میانگین های گروههای مورد مطالعه در ابعاد هویت

متغیر مورد مقایسه	گروه	df	t	p
هویت پیشرفته ی بین فردی	طلاب - دانشجو	۵۸	۰/۸۳	۰/۳۶
هویت تعلیقی بین فردی	طلاب - دانشجو	۵۸	۴/۳۶	۰/۰۱
هویت تسلیم طلبی بین فردی	طلاب - دانشجو	۵۸	۰/۰۲۹	۰/۷۸
هویت پراکندگی بین فردی	طلاب - دانشجو	۵۸	۰/۲۱	۰/۴۵
هویت پیشرفته ی ایدئولوژیک	طلاب - دانشجو	۵۸	۱/۲۶	۰/۱۱
هویت تعلیقی ایدئولوژیک	طلاب - دانشجو	۵۸	۰/۹۴	۰/۲۱
هویت تسلیم طلبی ایدئولوژیک	طلاب - دانشجو	۵۸	۱/۰۱	۰/۱۵
هویت پراکندگی ایدئولوژیک	طلاب - دانشجو	۵۸	۲/۵۴	۰/۰۱

نگاهی به مندرجات جدول شماره ۱ نشان می دهد که طلاب و دانشجویان در هویت تعلیقی بین فردی و هویت پراکندگی ایدئولوژیک تفاوت معنی دار با یکدیگر دارند و مقایسه ی میانگین های این دو گروه حاکی از آن است که دانشجویان از هویت تعلیقی بین فردی و هویت پراکنده ی ایدئولوژیک بیشتری نسبت به طلاب برخوردارند. و از طرفی نتایج جدول فوق حاکی است که در سایر ابعاد هویت، تفاوت معنی داری بین این دو گروه وجود ندارد.

بحث و تفسیر

همانگونه که پیشتر اشاره شد، موضوع هویت یکی از اساسی ترین دغدغه‌های موجود انسانی در عرصه‌های متنوع زندگی است. این پدیده هر چند که مطابق دیدگاه روانشناسان «من»، از جمله اریکسون (۱۹۶۸)، در همه ی دوران های زندگی، به عنوان دل مشغولی اساسی آدمی، ظاهر می شود، لکن در بررسی های دقیق، چنین برمی آید که دوران نوجوانی و جوانی، مهمترین خاستگاه دغدغه های هویت یابی می باشد، چرا که تحولات شناختی، زیستی و عاطفی به عمل آمده در این دوران، زمینه را برای ظهور پرسش های اساسی هویت یابی، مهیا می کند (ماسن، ۱۹۹۲). از این رو، انتظار می رود که با ورود افراد به دوران نوجوانی و جوانی، نشانه های مربوط به تعارضات هویت یابی ظهور و بروز بیشتری پیدا کنند (زندن، ۱۹۹۶). بسترهای فرهنگی و اجتماعی که افراد در آن به سر می برند، نقش اساسی در تحول ابعاد هویت یابی دارند (اریکسون، ۱۹۶۸) به نحوی که در برخی بسترها، زمینه ی شکل گیری و تثبیت برخی پایگاه های هویت، به سهولت انجام می گیرد که در این راستا، مراکز آموزش عالی (دانشگاه ها) در رأس اهمیت قرار دارند (مارسیا، ۱۹۸۶، برکسون، ۲۰۰۲).

به هر حال، بررسی های نظری نشان می دهند که با ورود افراد به مراکز آموزش عالی، دغدغه های هویت یابی تغییر مسیر می دهند (لطف آبادی، ۱۳۷۶) و این تغییرات، از تثبیت پایگاه های هویت بازداری نموده و روند سازماندهی پایگاه های هویتی ایدئولوژیک را تسریع می کنند (برکسون، ۲۰۰۲)، چرا که مراکز آموزش عالی، مأمن و بستر مناسب برای تقابل افکار و اندیشه هاست و در این بستر، امکان برخورد عقاید، باورها و جهان بینی های افراد به وجود می آید (گیدنز، ۲۰۰۱) و متناسب با این برخوردها و تقابل ها، پایگاه ایدئولوژیک هویت یابی تقویت یا تضعیف می شود به گونه ای که افراد در کثرتی از جهان بینی ها و روی کردها، متلاطم می شوند و تثبیت پایگاه های پیشرفته ی هویت به تعویق می افتد (آندرسون، ۱۹۹۹). با این حال، تبیین های نظری حاکی از آن است که داشتن یک ایدئولوژی تثبیت شده در پیش از ورود به مراکز آموزش عالی و تلاش دامنه دار در راه استحکام باورهای پذیرفته شده بعد از ورود به چنین مراکزی، موجب آن می شود که فرد در راه تثبیت پایگاه هویت پیشرفته گام بردارد (گلاور برونینگ، ۱۹۹۸). از این رو، چنین استنباط می شود که دانشجویان به جهت مواجهه با تنوعاتی از جهان بینی ها، روی کردها و افکار در مراکز آموزش عالی، چندان اقبالی برای نیل به هویت پیشرفته نداشته باشند و بهترین وضعیت برای آنها این است که یا دچار هویت تعلیقی شوند و یا اینکه با کثرتی از هویت پراکنده ایدئولوژیک مواجه شوند. در صورتی که این وضعیت برای طلاب حوزه های علمیه چندان قابل تصور نیست. بر این اساس، نتایج این پژوهش نیز پیش فرض مذکور را مورد تأیید قرار داد و معین شد که دانشجویان نسبت به طلاب، از پایگاه هویت تعلیقی بین فردی و پراکنده ایدئولوژیک بیشتری برخوردارند.

منابع

لطف آبادی، حسین (۱۳۷۶). روانشناسی رشد (۲). تهران: انتشارات سمت.

Giddens, Anthony. (2001). *Modernity and Self Identity*, London, Academic press.

Dierkes, H. (2002). *Philosophical anthropology*. Stuttgart, Philip Reclam Jun.

Erikson, E. (1968). *Identity, Youth and crisis*. New York: International university press.

Erikson, E. (1986). *The life cycle completed*. New York: w.w. Norton.

Berk, L. (2002). *Developmental psychology*. (5th eds). New York, Academic press.

Zenden, w. (1996). *Developmental psychology*. (3th eds). London oxford press.